

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّری طباطبائی نردوی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال دهم - سال تحصیلی ۹۲-۹۳

جلسه ۳۰ - سه‌شنبه ۹۲/۹/۱۲

پاسخ شبهه‌ی مذکور

در محرّماتی که از اجزائی ترکیب یافته‌اند، بر فرض اینکه حرمت منبسط بر اجزاء گردد، زمانی این انبساط همه‌ی اجزاء را فرا می‌گیرد که موضوع حرمت محقق شده باشد؛ یعنی با تکمیل مرکّب و اتیان مصداق حرام، می‌توان گفت حرمت مذکور بر همه‌ی اجزاء پخش می‌شود و هر جزئی حظّی از حرمت دارد، ولی این متفاوت از انبساط و جوب و طلب بر اجزاء در واجب ارتباطی است؛ به دلیل آنکه انبساط و جوب بر اجزاء واجب به این معناست که مولا «کل» را طلب کرده است و «کل» همان اجزاء است، لذا اجزاء نیز باید آورده شود و هر جزئی که آورده می‌شود به شرط لحوق سایر اجزاء به نحو شرط متأخر از اوّل مطلوب است، امّا در مورد حرمت مرکّب به این معناست که کل بما هو کل نباید محقق شود و اگر این کل اتیان شود همه‌ی اجزایش بهره‌ای از حرمت دارند و تنها آن وقتی اجزاء سابقه متّصف به حرمت می‌شود که سایر اجزاء به نحو شرط مقارن موجود باشد، لذا در شبهه‌ی وجوبه باید اجزاء اتیان شوند ولی در شبهه‌ی تحریمه اجتناب از اتیان اجزاء لازم نیست مگر در صورتی که سایر اجزاء مرکّب آورده شده و تنها آخرین جزء باقی مانده است و با آوردن آن، کلّ مرکّب کامل می‌شود، در این صورت آوردن این جزء حرام خواهد بود و در همان مرتبه نیز متّصف به حرمت می‌شود.

مضافاً به اینکه ممکن است اساساً کسی انبساط حرمت بر اجزاء را در صورت تدریجی بودن تحقق مرکّب منکر شود؛ زیرا می‌توان گفت آنچه که حرام است جزء اخیری است که اگر آورده شود، «کل» تکمیل می‌شود و بیش از آن حرام نیست. لذا شبهه‌ی مذکور اشکال ضعیفی است که شایسته‌ی مطرح شدن نیست.

بنابراین در شبهات تحریمی بر عکس شبهات وجوبیه، اکثر حرام است و اصلاً به خاطر یقینی بودن حرمت آن جای اصل نیست، ولی اقل حرمتی ندارد و براءت در آن جاری است؛ مثلاً غنای مطرب مرجع متناسب با مجالس لهو و لعب حرام است و لذا مجرای اصل مؤمن نیست، ولی اقل آن بدون معارض مجرای براءت است.

اقل و اکثر در شبهه‌ی موضوعیه

مرحوم شیخ و برخی دیگر از محققان نظیر محقق نائینی^۱ و محقق عراقی^۲ این مسئله را مطرح نموده‌اند که آیا اقل و اکثر در شبهه‌های موضوعیه قابل تصور است یا خیر؟

شیخ انصاری^۳ در رسائل^۳ اقل و اکثر در شبهه‌های موضوعیه را مطرح فرموده و دو مثال برای آن ذکر می‌کند و نتیجه‌ی نهایی کلام ایشان در هر دو مثال، آن است که چون به شک در محصل باز می‌گردد مجرای احتیاط است.

مثال اول: کسی نذر کرده است که بین الهالین (یک ماه قمری) را روزه بگیرد، آنچه متعلق امر است بین است، یعنی «ف بندرک بین الهالین» و شهر هلالی نیز از رؤیت هلال تا رؤیت هلال بعدی محقق می‌شود. اکنون مکلف مذکور شک می‌کند که آیا هلال بعد از پایان روز بیست و نهم رؤیت می‌شود و یا در شب بعد از آن رؤیت می‌گردد؟ اگر در پایان روز بیست و نهم رؤیت شود ماه هلالی بیست و نه روز خواهد بود و اگر در شب بعد، هلال رؤیت شده باشد باید سی روز روزه بگیرد، بنابراین شک می‌کند آیا باید بیست و نه روز روزه بگیرد یا سی روز؟ لذا مصداقی از دوران بین اقل و اکثر در شبهات موضوعیه می‌باشد.

مثال دوم: کسی می‌داند که باید نماز بخواند و می‌داند که «لاصلاة إلا بطهارة رافعة للحدث»، إلا اینکه شک دارد که طهارت رافع حدث آیا وضویی است که باید از رستگاه مو تا زیر چانه شسته شود یا اگر تا

۱. فوائد الاصول، ج ۴، ص ۲۰۰.

۲. نهاية الأفكار، ج ۳، ص ۴۰۸.

۳. فوائد الاصول، ج ۲، ص ۴۷۸.

المسألة الرابعة فيما إذا شك في جزئية شيء للمأمور به من جهة الشبهة في الموضوع الخارجي كما إذا أمر بمفهوم مبين مردد مصدق بين الأقل والأكثر ومنه ما إذا وجب صوم شهر هلالی و هو ما بين الهالین فشك في أنه ثلاثون أو ناقص و مثل ما أمر بالطهور لأجل الصلاة أعني الفعل الرافع للحدث أو المبيح للصلاة فشك في جزئية شيء للوضوء أو الفعل الرافعين.

و اللازم في المقام الاحتياط لأن المفروض تنجز التكليف بمفهوم مبين معلوم تفصيلاً و إنما الشك في تحققه بالأقل فمقتضى أصالة عدم تحققه و بقاء الاشتغال عدم الاكتفاء به و لزوم الإتيان بالأكثر.

ابتدای چانه شسته شود نیز کفایت می‌کند؟ این مثال نیز نمونه‌ای از دوران امر بین اقل و اکثر در شبهات موضوعیه است.

مقصود از شبهه‌ی موضوعیه، شبهه‌ای است که ناشی از اشتباه امور خارجیه می‌باشد و ربطی به بیان شارع ندارد، بلکه بیان شارع کامل است؛ مثلاً فرموده است بین الهلالین باید روزه گرفت، ولی اینکه مکلف نمی‌داند ماه رؤیت شده است یا خیر، ربطی به بیان شارع ندارد بلکه به حرکت ماه و فضای دیده شدن و محدوده‌ی رؤیت هلال بستگی دارد.

در مثال نذر روزه در شهر هلالی، فرمایش شیخ صحیح است؛ یعنی مصداقی از دوران امر بین اقل و اکثر ناشی از شبهات موضوعیه می‌باشد؛ زیرا منشأ شک امری خارجی است، اما در مثال دوم که فرمودند نمی‌دانیم وضوء آن است که باید تا ابتدای چانه شسته شود یا زیر چانه، در واقع اجمال در بیان شارع وجود دارد و شبهه موضوعیه نمی‌باشد بلکه شبهه‌ی حکمی می‌باشد، لذا برخی فرموده‌اند به نظر می‌رسد مرحوم شیخ در بیان این مثال یا تسامح کرده‌اند و یا غفلی رخ داده است.

در هر حال شیخ در هر دو مثال قائل به احتیاط شده‌اند.

در مثال اول شیخ می‌فرمایند از آنجا که عنوان یعنی بین الهلالین مبین است و تکلیف روی عنوان رفته است، لذا مکلف با اتیان بیست و نه روزه شک می‌کند که آن تکلیف ثابت ساقط می‌شود یا خیر، روشن است که جای قاعده‌ی اشتغال است پس باید احتیاط کند و سی روز را روزه بگیرد.

اما این بیان شیخ رحمته‌الله جای تأمل است؛ زیرا بین الهلالین در واقع معلوم نیست و نمی‌دانیم بیست و نه روز است یا سی روز؟ بدین جهت می‌توان گفت لزوم روزه‌ی بیست و نه روز یقینی است ولی انجام روزه‌ی یک روز دیگر مشکوک است و مجرای براءت است، ولو منشأ این شک اشتباه خارجی باشد ولی در نهایت بازگشت به تکلیف شرعی نسبت به روزه‌ی روز سی‌ام است.

آری، اگر در این مثال، مکلف عنوان را قصد کند یعنی عنوان بین الهلالین را مد نظر قرار دهد و برای این عنوان خصوصیت قائل شود چه بسا بتوان گفت که شک در محصل خواهد بود و مجرای احتیاط است هرچند باز جای تأمل است.

با این حال باید توجه داشت اساساً در این مثال جای اجرای براءت نیست؛ زیرا مکلف وقتی به روز بیست و نهم ماه می‌رسد و شک دارد هلال ماه رؤیت شده است یا خیر، باید استصحاب بقاء ماه سابق نماید و در نتیجه باید مکلف روز سی‌ام را روزه بگیرد و جای براءت نیست. بنابراین اگر وجوب احتیاط ثابت

می‌شود از باب بقاء ماه سابق است، نه از باب شک در محصل.

بنابراین مدّعی شیخ یعنی لزوم احتیاط به دلیل استصحاب درست است، اما دلیل ایشان یعنی اندراج در شک در محصل و رعایت قاعده‌ی اشتغال مورد تأمل است.

مقرّر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی